



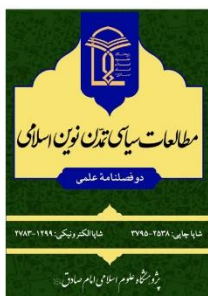
Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

P. ISSN: 2795-2588 & E. ISSN: 2783-1299

Website: <http://sjs.isri.ac.ir>

Volume : 4 ; Number : 8



Analysis of the Civilizational Capacities of the Theory of Resistance in Giving Civilizational "Meaning to the Concept of "Nation

Hossein Mircheraghkhani*, Abolghasem Azimi**

Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2024.471547.1131>

Received: 2024/08/03 - Accepted: 2024/11/15

Type of Article: Research

(10-34)

Abstract

The most important part of any scientific theory is the conceptual structure on which the theory is based. Knowing these concepts and understanding their place in the semantic system of the theory helps to know and explain the capacities of the theory. The concept of Emmett is one of the most widely used concepts in resistance theory. How are the civilizational capacities of the concept of nation given meaning in the conceptual network of resistance theory? This is the main question of this article. To answer this question, the fundamental methodological framework of the development of scientific theories has been used. The findings of the article show that the concept of "nation" is one of the abstract concepts of the theory of resistance, which is given meaning by the concrete adverb "Islam" on a civilizational scale and uses three operational concepts to expand in the society, all three concepts of capacity and They have a civilizational function. These three operational concepts are; 1- The concept of "provincial connection"; which portrays the relationship between Imam and Mamum in the Islamic Ummah and has a significant capacity in building the leadership network of the modern Islamic civilization. Throughout the history of the resistance, all operational models of the resistance relied on provincial ties. 2- The concept of "consolidation of power"; This concept is placed in front of the two concepts of separation and delegation of power and significantly guarantees the power network in the modern Islamic civilization. This concept directs individual, union and national interests and explains the advantages, virtues and ideals that modern Islamic civilization needs for its formation and survival.

Keywords: Theory of Resistance, Civilizational Capacities, Conceptual Network, Concept of Nation.

*.Assistant Professor, Department of Political Science, Institute of Political Studies, Research Institute of Islamic Sciences, Imam Sadiq, Qom, Iran(Corresponding author), mir651986@gmail.com.

** . PhD in History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Humanities, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran, azimi8h@gmail.com.



پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق
پژوهشگاه مطالعات سیاسی و دفاعی
P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299
تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸
http://sjs.isri.ac.ir
سال چهارم، شماره هشتم

تحلیل ظرفیت‌های تمدنی نظریه مقاومت در معنابخشی تمدنی به مفهوم «امت»

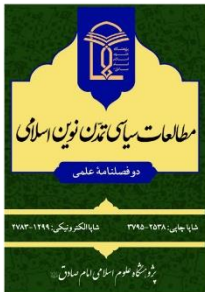
حسین میرچراغ‌خانی*، ابوالقاسم عظیمی**

Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2024.471547.1131>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۵

نوع مقاله: پژوهشی

(۱۰-۳۴)



چکیده

مهم‌ترین بخش هر نظریه علمی سازه مفهومی است که نظریه بر آن بنا شده است. شناخت این مفاهیم و درک جایگاه آنها در نظام معنایی نظریه به شناخت و تبیین ظرفیت‌های نظریه کمک می‌کند. مفهوم امت از مفاهیم پرکاربرد در نظریه مقاومت است. اینکه ظرفیت‌های تمدنی مفهوم امت در شبکه مفهومی نظریه مقاومت چگونه معنابخشی می‌شود؟ پرسش اصلی این مقاله است. برای پاسخ به این پرسش از چهارچوب روش‌شناسی بنیادین تکوین نظریه‌های علمی بهره گرفته شده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که مفهوم «امت» از مفاهیم انتزاعی نظریه مقاومت است، که با قید انضمامی «اسلام» در مقیاسی تمدنی معنابخشی می‌شود و برای امتداد یافتن در اجتماع از سه مفهوم عملیاتی بهره می‌گیرد که هر سه مفهوم از ظرفیت و کارکرد تمدنی برخوردار هستند. این سه مفهوم عملیاتی عبارت‌اند از: ۱- مفهوم «پیوند ولایتی»؛ که رابطه امام و مأموم در امت اسلامی را به تصویر می‌کشد و ظرفیت قابل توجهی در شبکه‌سازی رهبری تمدن نوین اسلامی دارد. در طول تاریخ مقاومت همه الگوهای عملیاتی مقاومت متکی به پیوند ولایتی بودند؛ ۲- مفهوم «تجمیع قدرت»؛ این مفهوم در مقابل دو مفهوم تجزیه و تفویض قدرت قرار می‌گیرد و به صورت قابل توجهی تضمین‌کننده شبکه قدرت در تمدن نوین اسلامی است؛ ۳- مفهوم «منافع امت‌محور»؛ این مفهوم جهت‌دهنده به منافع فردی، صنفی و ملی است و به تبیین مزایا، محاسن و مطلوب‌هایی می‌پردازد که تمدن نوین اسلامی برای تشکیل و بقای خود به آن نیازمند است.

واژگان کلیدی: نظریه مقاومت، ظرفیت‌های تمدنی، شبکه مفهومی، مفهوم امت

- * استادیار گروه علوم سیاسی، پژوهشگاه مطالعات سیاسی، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول)، mir651986@gmail.com
- ** دانش‌آموخته دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران، azimi8h@gmail.com

مقدمه

هر تمدنی برای شکل‌گیری و بقا به دانشی نیاز دارد که ضرورت وجود آن تمدن را تبیین و اهمیت بقای آن را توضیح و کنش‌گری آن را توجیه کند. به طور طبیعی، دانش اسلامی مسئولیت تبیین ضرورت تمدن نوین اسلامی و منطقی توضیح و توجیه این تمدن را برعهده دارد. از آنجاکه نظریه‌ها به‌مثابه قلب دانش به‌شمار می‌آیند، ظرفیت نظریه‌ها فرصت مناسبی است که در خدمت ایجاد و بقای تمدن‌ها قرار می‌گیرد. نظریه مقاومت به‌مثابه نظریه‌ای بومی برآمده از مبانی اسلامی ظهور و بروز قابل‌توجهی در پشتیبانی فکری از تمدن نوین اسلامی دارد. بر همین اساس، در این مقاله تأملی علمی و پژوهشی درباره ظرفیت‌های تمدنی نظریه مقاومت صورت گرفته است و به‌دلیل گنجایش محدود مقاله در اینجا فقط به ظرفیت‌های تمدنی نظریه مقاومت در معنابخشی به مفهوم «امت» پرداخته می‌شود. برای انجام این پژوهش چهارچوب روش‌شناسی بنیادین تکوین نظریه‌های علمی به‌عنوان بستر تبیین بحث مورد استفاده قرار گرفت و در ادامه یافته‌های مقاله به‌عنوان ظرفیت‌های تمدنی نظریه مقاومت در معنابخشی تمدنی به مفهوم امت ارائه شده است.

درباره پیشینه این موضوع، اثری که مستقیم به معنابخشی مفهوم امت از دیدگاه نظریه مقاومت پرداخته باشد وجود ندارد. ولی به‌صورت غیرمستقیم می‌توان از مجموعه آثاری که در موضوع امت و ارتباط امت با تمدن انجام شده است به‌مثابه پیشینه یاد کرد. در این صورت می‌توان فهرستی از آثار اعم از کتاب‌ها و مقاله‌ها و آثار مرتبط با تمدن نوین اسلامی و امت اسلامی را مطرح کرد که هر کدام به‌گونه‌ای بحث امت و ارتباط آن با تمدن اسلامی را توجه کرده‌اند. اثر اصغر افتخاری با عنوان «مقاومت در اسلام؛ نظریه و الگو» (افتخار، ۱۳۹۹) از جمله آثاری است که مفاهیم مرتبط با نظریه مقاومت و امت اسلامی را بررسی کرده است. برای ذکر مصادیق دیگر می‌توان به اثر یوسف قرضای با عنوان «امت اسلامی، چالش‌ها و امیدها» (قرضای، ۱۳۸۴) اشاره کرد که با رویکردی آسیب‌شناسانه علل ناکامی امت اسلامی را به تصویر می‌کشد. همچنین مجموعه مقاله‌ها کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، که چندین مرحله منتشر شده است، در همین زمینه قابل استفاده است: «امت

اسلامی و برنامه‌های راهبردی برای رویارویی با چالش‌های فراروی وحدت، مجموعه مقالات بیست و دومین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی (جمعی از اندیشمندان، ۱۳۸۷). رویکرد عمومی و هدف اصلی این کنفرانس‌ها و مقاله‌ها گام برداشتن برای حل مسائل جهان اسلام و چگونگی شکل‌گیری امت واحده است. در نمونه دیگر کتاب امت اسلامی؛ بازخوانی اندیشه راهبردی رهبر معظم انقلاب درباره وحدت اسلامی به روایت حسن رحیم‌پور ازغدی (ازغدی، ۱۳۹۷) از جمله آثاری است که بحث درباره امت و ضرورت امت اسلامی را از دیدگاه مقام معظم رهبری توضیح می‌دهد. در زمینه مقالات نیز مقاله‌های متعددی را می‌توان نام برد؛ از جمله مقاله «برسازی مفهوم امت شهروند در ژئوپلیتیک مقاومت» (زارعان، ۱۳۹۸) که در پی آن است تا نشان دهد در ژئوپلیتیک مقاومت شهروند معنای فراتر از شهروند ملی به خود می‌گیرد. این مقاله از آن رو که مقاومت و هویت امت اسلامی را فراتر از ملیت‌ها مورد توجه قرار می‌دهد به مثابه پیشینه مرتبط قابل طرح است. در همین زمینه می‌توان به مقاله «امکان‌سنجی تقریب بر پایه مفهوم امت واحده در دوره معاصر؛ ظرفیت‌ها، موانع و راهکارها» (میلانی، ۱۴۰۱) اشاره کرد که ظرفیت‌های مفهوم امت واحده برای تقریب مذاهب اسلامی و نقش آن در تمدن اسلامی را مورد توجه قرار می‌دهد. در نمونه دیگر، می‌توان به مقاله «اندیشه اسلامی: سنت و دکتترین توسعه حسن حنفی از طریق تحکیم ادبیات وحدت، به شاخص‌های توسعه بر مبنای مفهوم امت می‌اندیشد» (وصفی و حنفی، ۱۳۸۸). در این مقاله دیدگاه‌های حسن حنفی، اندیشمند مطرح مصری، درباره بررسی مفهوم امت و نقش آن در توسعه جهان اسلام پرداخته شده است. همچنین مقاله‌هایی مانند «رابطه منافع ملی و امت واحده اسلامی با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ع)» (بیدار و لیالی، ۱۴۰۰)، مقاله «جهانی شدن؛ چالش امت واحده اسلامی» (خرمی آرانی و همکاران، ۱۴۰۲)، مقاله «بنیاد ایده امت واحده اسلامی بر «دوستی» در رهیافت سیاسی امام خمینی (ع)» (عطارزاده، ۱۴۰۲)، مقاله «الگوی الهیات اجتماعی اسلامی در اندیشه و آثار موسی صدر؛ امت واحده» (بهشتی و مریدی، ۱۳۹۵)، مقاله «مفهوم امت در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران» (ارسطا و نیکونهاد، ۱۳۹۳)،

مقاله «انقلاب اسلامی و پیدایش ژئوپلیتیک جدید ایران» (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱)، مقاله «تبیین قلمرو آموزه «امت» در جوامع چندفرهنگی» (شفای، ۱۳۹۱) نمونه‌ای از مجموعه مقاله‌هایی که هر کدام به‌گونه‌ای با موضوع مقاله در ارتباط هستند. تمایز اصلی مقاله پیش‌رو با پیشینه مرتبط با مفهوم امت در این است که مفهوم «امت» در این مقاله از عینک نظریه مقاومت به مثابه نظریه‌ای بومی و علمی تحلیل و بررسی شده است. این چیزی است که تاکنون مورد کاوش و پژوهش علمی قرار نگرفته است. به عبارت دیگر، این مقاله با هدف نشان دادن ظرفیت‌های تمدنی نظریه مقاومت و نوع معنابخشی نظریه مقاومت به مفهوم امت انجام شده است.

۱. مفاهیم و چهارچوب نظری

برای مشخص شدن قلمرو و حریم مفهومی مقاله نیاز است تصویری روشن از مفهوم «ظرفیت‌های تمدنی نظریه» و مفهوم «نظریه مقاومت» ارائه شود. همچنین برای معلوم شدن مسیری که مقاله در آن تدوین می‌شود، باید توضیحی درباره چهارچوب نظری مقاله بیان شود.

۱-۱. ظرفیت‌های تمدنی نظریه

در اینجا منظور از ظرفیت‌های تمدنی میزان استعداد و قابلیت‌های است که نظریه برای پاسخ به نیازمندی تمدنی دارد. نظریه‌های علوم انسانی، که در دامن فرهنگ‌های پویا و جهان شمول شکل می‌گیرند، به صورت قابل توجهی مدعی ظرفیت‌های تمدنی هستند. این نوع از نظریه‌ها به حسب تعریفی که نظریه دارد به برخورداری از ظرفیت لازم برای شرح منطقی و تطبیق صحیح و نظام‌مند اندیشه‌های تمدنی قائل‌اند. این معنا از ظرفیت‌های تمدنی نزدیک است به معنای لغوی واژه (Theory) که ریشه یونانی دارد و بیانگر شرح منطقی و تطبیق ذهنیت‌ها درباره علوم است. با توجه به معنای اصطلاحی نظریه، اگر نظریه بتواند ارتباط بین گزاره‌ها، متغیرها و مفاهیم تمدنی را برقرار کند، به گونه‌ای که پدیده یا مجموعه‌ای از پدیده‌های تمدنی توضیح و تبیین شود، چنین نظریه‌ای از ظرفیت‌های تمدنی برخوردار است؛ زیرا می‌تواند با منطق عقلانی و توجیه‌پذیر به توضیح پدیده‌های تمدنی بپردازد. نظریه در سطح تمدنی ارتباط‌دهنده و تنظیم‌کننده مفاهیم و متغیرهای درون دانش

تمدنی است. در واقع، تمدن متشکل از مجموعه‌ای از دانش هاست و نظریه به مثابه قلب دانش عهده‌دار تفسیر و تبیین این واقعیت‌ها و پاسخ به نیازمندی‌های تمدنی است. در نتیجه می‌توان گفت ظرفیت‌های تمدنی نظریه عبارت است از مجموع گزاره‌های علمی نظریه، که در صورت قرار گرفتن در کلیت، بیانگر بخشی از واقعیت‌های تمدنی است که به سبب آن نظریه از امکان پاسخگویی به نیازهای تمدنی در زمینه نظری و عملی برخوردار می‌شود.

۱-۲ نظریه مقاومت

منظور از نظریه مقاومت مجموعه‌ای از گزاره‌های علمی و شبکه مفاهیمی است که مبتنی بر بنیان‌های معرفت شناختی اسلامی در پی تبیین و توضیح پدیده‌های انسانی و اجتماعی است. این نظریه با هدف حل مسائل انسانی به‌ویژه حل مسائل امت اسلامی نوعی استقلال و نوعی استحکام درونی قدرت در امت اسلامی را تجویز می‌کند که می‌تواند پیشرفت امت اسلامی و مصونیت امت اسلامی در برابر هجمه‌های بیگانه را تضمین کند. خاستگاه و نقطه اوج این نظریه برگرفته از امر قرآنی «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتُمْ» (هود: ۱۱۲) است. منطق توجیه نظریه مقاومت مبتنی بر تفسیری که اندیشمندان اسلامی از مبانی اسلامی دارند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱)، امامین انقلاب اسلامی از جمله اندیشمندان و رهبرانی هستند که نظریه مقاومت را امتداد اجتماعی بخشیدند و با ارائه الگو و مدلی کارآمد از این نظریه ظرفیت‌های نجات‌بخش نظریه را عملیاتی کردند (بیانات، ۱۳۹۷/۸/۱۲). مشهودترین دستاورد نظریه مقاومت پیروزی انقلاب اسلامی و کارآمدی نظام جمهوری اسلامی است. گسترش جبهه مقاومت و فراگیر شدن تمایل به گفتمان مقاومت در سطح جهان نشانه‌های از پویایی، زنده بودن و جهان‌شمولی نظریه مقاومت است. در اصطلاح سیاسی و اجتماعی، مقاومت راه و روشی برآمده از ارزش‌های اسلامی است که مسیر حفظ و تعالی کرامت انسانی را در مقاومت فعال می‌بیند. براساس نظریه مقاومت ساختار اجتماعی و سیاسی مطلوب ساختاری است که متناسب با ارزش‌های اسلامی بنا شود، نظریه مقاومت منتقد جدی ساختارهای اجتماعی و سیاسی غیراسلامی در امت اسلامی و ناعادلانه در جامعه بشری است. از دیدگاه نظریه مقاومت، نظم و ساختارهای موجود جهانی نظمی ناعادلانه و ظالمانه

است. این نظریه یگانه راه اصلاح وضع موجود را نه سازش، تعامل و کنار آمدن با وضع موجود، بلکه در مقاومت فعال و ساختن وضع مطلوب متناسب با ارزش‌های اسلامی می‌بیند (ر.ک. میرچراغ خانی، ۱۴۰۱).

۲. روش‌شناسی بنیادین تکوین نظریه‌های علمی

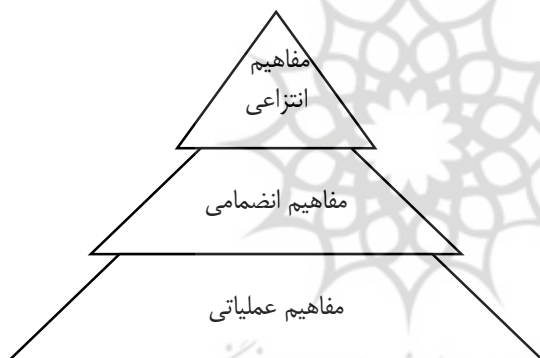
برای انسجام علمی مقاله و ارتباط روشمند داده‌های استفاده‌شده، باید مسیر پیشبرد و منطق تدوین مقاله مشخص باشد. بر همین اساس، از «روش‌شناسی بنیادین تکوین نظریه‌های علمی» اثر حمید پارسانیا به مثابه روش بومی بهره‌گیری شد. این روش قابلیت‌های مناسبی برای تبیین ظرفیت‌های نظریه مقاومت و فهم شبکه مفاهیم این نظریه دارد. پارسانیا در پی معرفی روشی بومی است که هم بعد نفس‌آمری و منطقی نظریه‌های علمی را مورد توجه قرار دهد، هم به بعد معرفتی و اجتماعی نظریه پردازد (پارسانیا، ۱۳۹۶: ۴۵). روش‌شناسی بنیادین تکوین نظریه‌های علمی، که با بستر معرفتی حکمت صدرایی به روش‌شناسی نظریه‌های علمی می‌پردازد، از دو بخش تشکیل شده است. بخش نخست ابعاد منطقی و معرفتی نظریه را بررسی می‌کند؛ در بخش دوم، ابعاد وجودی و اجتماعی نظریه مدنظر قرار می‌گیرد. در این جدول کلیات روش بنیادین تکوین نظریه‌های علمی آمده است.

ابعاد و محورهای اصلی روش‌شناسی بنیادین تکوین نظریه‌های علمی	
<p>* مبادی: بدیهی و نظری</p> <p>* مبانی: هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، مبانی مرتبط با دیگر علوم</p> <p>* روش بنیادین: بستر معرفتی تولید نظریه (سلوک و رفتار علمی اندیشمندان) که همان روش متأثر از مبانی است، روش بنیادین مقدم بر نظریه است</p> <p>* رویکردها و مکاتب: مکاتب معرفتی و رویکردهای متعدد و متفاوت برآمده از روش بنیادین</p> <p>* نظریه: صورت‌بندی نظریه اعم از مفاهیم، علل و عوامل اصلی درون نظریه به همراه ساختار معرفتی نظریه</p> <p>* روش‌شناسی کاربردی: روش‌های تجویزی نظریه که متأخر از نظریه شکل می‌گیرند</p>	<p>بخش ابعاد منطقی و معرفتی نظریه</p>

* حوزه‌های معرفتی فعال: حوزه‌های که نظریه در آنها فعال است	
* زمینه‌های وجودی معرفتی: عوامل، ملزومات و زمینه‌های فرهنگی که به تولید نظریه کمک می‌کند * زمینه‌های وجودی غیرمعرفتی (عواملی که جنبه انگیزشی دارند) به دو بخش تقسیم می‌شوند: ۱- عوامل فردی عبارت‌اند از؛ ویژگی‌های شخصیتی نظریه‌پرداز و عوامل تأثیرگذار بر آن؛ ۲- عوامل اجتماعی مانند عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی، عوامل نظامی، زمینه‌های ایدئولوژیک	بخش ابعاد وجودی و اجتماعی نظریه

آن بخش از روش‌شناسی بنیادین که در این مقاله استفاده می‌شود، بخش ابعاد منطقی و معرفتی نظریه است؛ که ذیل آن صورت‌بندی نظریه به ویژه شبکه مفاهیم نظریه تبیین و بررسی می‌شود. در ادامه، شبکه مفاهیم نظریه مقاومت ارائه می‌شود.

۳. شبکه مفاهیم نظریه مقاومت



مهم‌ترین بخش نظریه‌های علمی مفاهیمی است که سازه اصلی نظریه بر آنها بنا شده است. شناخت این مفاهیم و درک جایگاه آنها در نظام معنایی نظریه به تبیین درست نظریه کمک می‌کند. برای درک

جایگاه مفاهیم، توجه به هرم و سازه مفهومی هر نظریه است. در سازه مفهومی هر نظریه سه دسته از مفاهیم یعنی مفاهیم انتزاعی، انضمامی و عملیاتی را می‌توان شناسایی کرد. مفاهیم انتزاعی در بالای هرم مفهومی قرار می‌گیرند؛ پس از آن مفاهیم انضمامی و پایین هرم به مفاهیم عملیاتی اختصاص دارد. منظور از مفاهیم انتزاعی، مفاهیم کلانی است که مجموعه‌ای از مفهومی‌های انضمامی را با حفظ ارتباط معنایی نمایندگی می‌کنند. این حالت درباره مفاهیم انضمامی هم وجود دارد؛ در واقع هر مفهوم انضمامی نماینده مجموعه‌ای از مفاهیم عملیاتی است. اهمیت مفهوم انضمامی در این است که قید موضوعی مفاهیم انتزاعی را مشخص می‌کند. برای نمونه، اگر مفهوم «عدالت» مفهوم انتزاعی در نظر گرفته

شود، مفهوم «عدالت اجتماعی» مفهوم انضمامی است و مفهوم «توزیع ثروت» مفهوم عملیاتی است. مفاهیم عملیاتی بیانگر امتداد اجتماعی نظریه‌ها هستند. به عبارت دیگر، نظریه‌ها به وسیله مفاهیم عملیاتی با جامعه ارتباط برقرار می‌کنند.

شاکله هر مفاهیم نظریه ارتباط مستقیمی با روش‌شناسی بنیادین نظریه پرداز دارد. هر مفاهیم از کنار هم قرار گرفتن خرده مفاهیم تأثیرگذار شکل می‌گیرد. در توضیح باید گفت هر مفهومی در نظریه متشکل از مجموعه‌ای از متغیرها، خرده مفهومی‌ها و دلالت‌های است که به دلیل اشتراک معنایی ذیل مفهومی کلان گرد آمده‌اند. بنابراین، هر مفهوم به مثابه متغیر



وابسته از چندین متغیر مستقل اثرپذیری دارد. تبیین مفاهیم و عناصر اصلی نظریه مقاومت نیازمند فهم هر مفاهیم نظریه مقاومت است. در صورت تبیین درست هر مفهومی نظریه اولویت و اهمیت هر مفهوم به مثابه یک متغیر مشخص می‌شود. بدون شک هر مفهومی نظریه نمی‌تواند بریده از

مبانی منطقی و نفس‌الامری نظریه باشد. اگر مفاهیم و عناصر اصلی ارتباطی با بخش نفس‌الامری نظریه نداشته باشند، نوعی انحراف در نظریه رخ داده است. با تحقیق در اندیشه و آثار امامین انقلاب اسلامی در جایگاه مبدا، نظریه مقاومت، پنج مفهوم انتزاعی در رأس هر مفهومی قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از: «امت، راه، ارزش، استقامت، کرامت». مفاهیم انتزاعی پنجگانه در ارتباط منطقی فرایند و مسیر کلی نظریه مقاومت را به تصویر می‌کشند. امت جمعیتی متکی به ارزش‌های مشترک است؛ ارزش‌های مشترک راه و مسیر مشخصی را ترسیم می‌کنند؛ به طور طبیعی در طی این مسیر موانعی وجود دارد که با استقامت رفع می‌شود؛ این فرایند نتیجه‌ای دارد و آن احیای کرامت انسانی است. مفاهیم یادشده هر کدام بیانگر نمادی در نظریه مقاومت هستند. «امت» نماد تجمیع قدرت، «ارزش» نماد غیریت‌سازی، «راه» نماد حرکت و پویایی، «استقامت» نماد اراده و «کرامت» نماد سعادت

و حیات طیبه است. در این مقاله، از مجموعه شبکه مفاهیم نظریه مقاومت تنها به مفهوم «امت» پرداخته می‌شود. همچنین نشان داده خواهد که چگونه نظریه مقاومت مفهوم امت را در مقیاس تمدنی معنابخشی می‌کند.

۴. نظریه مقاومت و معنابخشی تمدنی به مفهوم «امت»

باتوجه به سلسله مراتب هرم مفهومی نظریه مقاومت، معنابخشی به مفهوم «امت» را در سه سطح انتزاعی، انضمامی و عملیاتی می‌توان بررسی کرد. هرچند در سطح انتزاعی و انضمامی نیز تفاوت‌های بین معنابخشی نظریه مقاومت با دیگر نظریه‌های اسلامی درباره مفهوم «امت» وجود دارد، ولی در سطح عملیاتی معنابخشی نظریه مقاومت به صورت قابل توجهی متفاوت‌تر و کاربردی‌تر از دیگر نظریه‌هاست که در صورت توجه و عمل به این معنابخشی، امیدواری به ایفای نقش امت اسلامی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی بیشتر می‌شود.

۴-۱. معنای مفهوم انتزاعی امت در نظریه مقاومت

مفهوم امت نماد تجمیع قدرت و از مفاهیم انتزاعی نظریه مقاومت است. به تعبیر مقام معظم رهبری، «اگر ظرفیت‌های کشورهای اسلامی - ظرفیت عراق، ظرفیت ایران، ظرفیت کشورهای دیگر منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا - بر روی هم مجتمع بشود، اگر این ظرفیت‌ها به هم برسند، این دست‌ها در هم گره بخورند، آن وقت امت اسلامی نشان خواهد داد که عزت الهی یعنی چه؛ تمدن عظیم اسلامی را به جوامع عالم نشان خواهند داد» (بیانات، ۲۷/۰۶/۱۳۹۸). با تحلیل اندیشه و آثار امامین انقلاب، مفهوم امت را از مصادیق متعددی می‌توان انتزاع کرد؛ به عبارت دیگر، امت کلان مفهومی است که مجموعه‌ای از مفاهیم خرد را نمایندگی می‌کند. همچنین امت از مفاهیم پرکاربرد قرآنی است؛ به گونه‌ای که ۶۴ بار در قرآن به کار رفته است، در تفسیرهای قرآنی معنای متعددی همچون، جماعت هم‌کیش و متحد در دین، شریعت، زمانی مشخص، نسلی از انسان‌ها، قومی که پیامبری بر آنها برانگیخته شده است برای امت آمده است (ر.ک. مصلائی پور، و پروینی، ۱۳۹۶). آنچه که مورد اتفاق مفسران است و دلالت لغوی هم دارد ریشه مفهوم امت «ام م» است که معنای قصد و آهنگ می‌دهد.

در قرآن، انواع امت‌ها ذکر شده است که بهترین آنها امت مُسلمه است («أُمَّةٌ مُّسْلِمَةٌ»)، (بقره: ۱۴۳) و همچنین امت‌های مقتصده («أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ» (مائده: ۶۶)، امت امر به معروف و نهی از منکر («أُمَّةٌ يَدْعُونَ...» (آل عمران: ۱۰۴) و دیگر مواردی که با عنوان امت از آنها یاد شده است. در اینجا هدف بررسی انواع امت‌ها نیست، بلکه هدف از امت در نظریه مقاومت و آنچه که در اندیشه امامین انقلاب برآن تأکید شده به معنای نوع ارتباط نهفته در مفهوم امت و قابلیت‌های اثربخش این مفهوم است. در مفهوم امت ارتباط‌ها و مسئولیت‌پذیری‌های نسبی وجود دارد به این معنا که نمی‌توان این ارتباط و مسئولیت را از بین برد. در صورت از بین رفتن این ارتباط، ماهیت امت متلاشی می‌شود، در واقع قوام امت به ارتباطی است که بین افراد امت وجود دارد، این درحالی است که ارتباط‌ها و مسئولیت در مفاهیمی چون ملت و جامعه از نوع سببی هستند یعنی به سبب قراردادها شکل گرفته‌اند و ممکن است هر لحظه تغییر یابند یا از بین بروند. با دقت در سرنوشت امت‌ها اهمیت ارتباط در مفهوم امت بیشتر مشخص می‌شود. در واقع حیات و ممات امت درهم تنیده است. «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْذِنُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَأْذِنُونَ» (اعراف: ۳۴)؛ وقتی به تقدیر الهی اجل امتی سر برسد مجموعه امت از بین خواهد رفت. در آیه دیگر به پرونده مشترک امت‌ها اشاره شده همان‌گونه که هر انسان به لحاظ فردی پرونده مستقل دارد («وَ كَلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَا طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ» به لحاظ امت نیز پرونده دارد: «وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُحْزَرُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (جاثیه: ۲۸)؛ هر امتی را که بنگری به سوی نامه عمل خود فراخوانده می‌شود. در واقع این آیات بیانگر ارتباط سببی است که در مفهوم امت وجود دارد. معنای انتزاعی امت در نظریه مقاومت مبتنی بر پیوند بین امت از نوع پیوند سببی است که در صورت از بین رفتن ارتباط ماهیت امت از بین می‌رود و امت شکل نخواهد گرفت.

۴-۲. معنای مفهوم انضمامی امت در نظریه مقاومت

در نظریه مقاومت نخستین قید مفهوم امت «اسلامی» بودن است. به عبارت دیگر، وقتی از مفهوم امت در نظریه مقاومت صحبت می‌شود، منظور امت اسلامی است؛ امتی که براساس ارزش‌های اسلامی شکل گرفته است. این نوع معنابخشی را می‌توان در وصیت‌نامه

الهی - سیاسی امام خمینی علیه السلام مشاهده کرد که می نویسد: «آنچه لازم است تذکر دهم، آن است که وصیت سیاسی - الهی این جانب اختصاص به ملت عظیم الشان ایران ندارد، بلکه توصیه به جمیع ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب می باشد» (صحیفه امام، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ص ۴۰۰).

در دوره کنونی، سه رویکرد انضمامی و کلان امت محور قابل شناسایی است؛ نخست، «امت غربی» با ارزش های لیبرالی دوم، «امت شرقی» با ارزش های سوسیالی و سوم، «امت اسلامی» با ارزش های اسلامی. آنچه آشکار است برتری و تفوق امت غربی بر دو امت دیگر است. جوامع و ملت های متکی به ارزش های سوسیالیستی بسیار زود با فروپاشی شوروی عرصه را به ارزش های امت غربی واگذار کردند؛ به گونه ای که خودنمایی و حکمرانی ارزش های غربی در عمق کشورهای سوسیالیستی دیده می شود. هژمونی و فراگیری امت غربی اندیشمندان غربی را بر آن داشت تا تیزهای مانند لیبرالیسم و پایان تاریخ را ارائه کنند (ر.ک. فرانسیس فکویاما، ۱۳۹۳). در اینجا منظور از امت غربی یا شرقی وجه غالب اندیشه های یادشده است، نه قطعیت اندیشه در سرزمینی خاص؛ برای نمونه مصادیقی از ارزش های سوسیالی در غرب وجود دارد که می توان ریشه های نظریه سوسیالیستی در اندیشمندان یونان باستان را مثال زد و یا برعکس مصادیق ارزش های لیبرالی نیز در شرق وجود دارد.

رویکرد سوم یعنی امت اسلامی با وجود حاشیه نشینی از قابلیت، پویایی و انرژی لازم برای تسلط و هژمونی جهانی برخوردار است هرچند غرب با تسلط فناورانه و سیاست استعماری خود توانسته است با دمیدن در اختلاف های مذهبی و ترویج ملی گرایی در امت اسلامی، انرژی این امت را تخلیه کند؛ ولی ظرفیت های عظیم مادی و معنوی جهان اسلام هراس بنیادینی را در امت غربی به وجود آورده است. این هراس بنیادین همان چیزی است که بابت سعید از آن به بازگشت سرکوب شدگان یاد می کند. از نظر بابت سعید، تمدن غربی با کابوسی روبه روست و آن کابوس چیزی نیست جز احیای دوباره دین (اسلام). بابت سعید تأکید می کند که امت اسلامی با وجود اینکه امتی متفرق به نظر می آید، ولی هر روز مرئی تر

و متجلی‌تر می‌شود (سعید، ۱۳۹۰: ص ۱۱). البته براساس اندیشه امامین انقلاب، هژمون شدن آرمان‌های امت اسلامی همانند امت غربی به استعمار و تقسیم‌بندی جهان به مرکز و پیرامون یا جهان اول و جهان دوم منجر نمی‌شود. امت اسلامی در صورت برتری به کرامت نوع بشر توجه دارد. در واقع، رویکرد مقاومت در نفی نظام سلطه مختص به جهان اسلام نیست. در این نظریه، کمک به همه مستضعفان جهان آرمان و هدفی مقدس است. «این کوه‌های گوناگون مشکلاتی که بر سر راه مستضعفان جهان قرار دارد، جز با قدرت عزم و اراده پولادین مؤمن برداشته نخواهد شد. هدف فقط سروسامان دادن به وضع کشور نیست. دنیای اسلام، بلکه جامعه بشریت نیازمند کمک به آنها از سوی اسلام و امت اسلامی است» (بیانات، ۰۶/۰۲/۱۳۹۷).

۳-۴. معنای مفاهیم عملیاتی امت در نظریه مقاومت

تمایز معنابخشی نظریه مقاومت به مفهوم «امت» در سطح عملیاتی محسوس‌تر است و بیشتر به چشم می‌خورد. به عبارت دیگر، معنای عملیاتی «امت» در نظریه مقاومت با معنای «امت» در دیگر نظریه‌های اسلامی تفاوت آشکار و محسوسی دارد. در نظریه مقاومت سطح عملیاتی مفهوم «امت اسلامی» با مفاهیم منحصر به فردی معنابخشی می‌شود. ویژگی اصلی این مفاهیم قابلیت تأثیرگذاری و کاربردی بودن آنهاست. در واقع این مفاهیم ارتباط مستقیمی با حل مشکلات و مسائل امت اسلامی دارند. از دیدگاه نظریه مقاومت دلیل مهم مشکلات و مسائل جهان اسلام بی‌توجهی به مفاهیم یادشده است. سه مفهوم عملیاتی مهم، که در نظریه مقاومت ذیل مفهوم امت اسلامی معنابخشی شوند، عبارت‌اند از: الف) مفهوم «پیوند ولایتی»؛ ب) مفهوم «تجمع قدرت»؛ ج) مفهوم «منافع امت محور».

۴-۳-۱. پیوند ولایتی

پیوند ولایتی از جمله مفاهیم عملیاتی ذیل مفهوم امت اسلامی است و به صورت قابل توجهی در آثار و اندیشه امامین انقلاب به کار رفته است؛ «مؤمنان اولیای یکدیگرند و با همدیگر پیوند ولایتی دارند» (بیانات، ۰۶/۰۲/۱۳۹۷). این مفهوم عملیاتی ارتباط مستقیمی با

مقاومت و مسائل امت اسلامی دارد. پیوند ولایتی امتداد اجتماعی و از شاخص‌های کاربردی و میدانی نظریه مقاومت است. در طول تاریخ همه الگوهای عملیاتی مقاومت متکی به پیوند ولایتی بودند (ر.ک. صلح میرزایی، ۱۳۹۸). منظور از پیوند ولایتی رابطه امام و مأموم است که در قرآن بر آن تأکید شده است: «أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (انفال: ۷۲)؛ بعضی از مؤمنان اولیای یکدیگر هستند. در آیه بعد به وجود این پیوند در بین کفار هم اشاره می‌کند: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ». پیوند ولایتی نسبت به پیامبران الهی به پیوند بین رسول و خدا اشاره می‌کند. این مفهوم در بحث امت اسلامی توضیح‌دهنده پیوند و رابطه بین امام و امت است. آیه «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» بیانگر موضوع این رابطه است؛ یعنی استقامت کن همان‌گونه که فرمان یافته‌ای. صادرکننده فرمان همان ولی و صاحب ولایت است. صاحب ولایت حقیقی خداوند متعال است. این ولایت ازسوی خداوند به پیامبر و امام تفویض شده است. مفهوم پیوند ولایتی در انقلاب اسلامی نمود عینی پیدا کرد. با تأمل در پیروزی انقلاب اسلامی ایران، می‌توان به قدرت تأثیرگذاری مفهوم پیوند ولایتی پی برد. در انقلاب اسلامی این پیوند بین امام خمینی علیه السلام به عنوان ولی فقیه و ملت مسلمان ایران اتفاق افتاد. ازسویی امام خمینی علیه السلام بدون هیچ تردیدی به «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» یعنی مقاومت در راه ارزش‌های دین یقین داشت؛ ازسوی دیگر جامعه ایران اسلامی بدون هیچ تردیدی «رهبری امام خمینی علیه السلام» را پذیرفته بود. وقتی این زنجیره و پیوند تحقق یافت، انقلاب اسلامی برخلاف خواست دو ابرقدرت شرق و غرب به پیروزی رسید. در واقع رمز پیروزی انقلاب در وجود پیوندی بود که در نظریه مقاومت از آن به پیوند ولایتی تعبیر می‌شود. انقلاب اسلامی نتیجه پیوند ولایتی در سطح جامعه ایران بود. چنین پیوندی در سطح امت اسلامی می‌تواند نتایجی در مقیاس ایجاد تمدن نوین اسلامی را به ارمغان آورد. البته پیوند ولایتی در سطح فردی نیز تحقق می‌یابد؛ برای نمونه شهدا و به‌طور ویژه، شهید سلیمانی از جمله افرادی است که در نظر یقین داشتند و در عمل وفادار به پیوند ولایتی بودند. براساس همین ویژگی از شهدا به عنوان مکتب، الگو و اسم رمز مقاومت یاد می‌شود (بیانات، ۲۶/۰۹/۱۳۹۹).

پیوند ولایتی در واقع بیانگر مکانیزم‌های ارتباطی است که تنها در مفهوم امت قابلیت اجرایی و عملیاتی پیدا می‌کنند. البته توجه نظریه مقاومت به پیوند ولایتی در ذیل مفهوم «امت» به معنای نفی مکانیزم‌ها و پیوندهای موجود در مفاهیمی مانند «ملت» و «جامعه» نیست؛ نکته در این است که دو مفهوم ملت و جامعه با الزاماتی که دارند نمی‌توانند همانند مفهوم «امت» در قلمرو انسانی و گستره مورد نظر مقاومت رابطه برقرار کنند. از دیدگاه نظریه مقاومت، رمز برتری کفار و مشرکان بر امت اسلامی در این است که کفار این پیوند ولایتی را بین خودشان به مثابه امت رعایت می‌کنند؛ در مقابل، مسلمانان به چنین پیوندی پشت کرده‌اند. لازم است مسلمانان به این آموزه قرآنی و تکلیف، که به زبان اخبار آمده است ولی در واقع انشا است، توجه کنند: «هم مؤمنین اولیای یکدیگرند و با همدیگر پیوند ولایتی دارند، هم کفار با یکدیگر پیوند ولایتی دارند. پس این تکلیف است به زبان اخبار، اما در واقع انشا است و معنایش این است که مؤمن با مؤمن بایستی پیوند ولایتی داشته باشد، مال هر جای دنیای اسلام که هست باشد» (بیانات، ۱۳۹۷/۰۲/۰۶). از مسائل امت اسلامی در دوره کنونی این است که امت اسلامی نه تنها رابطه مبتنی بر پیوند ولایتی مؤمن با مؤمن را نادیده گرفته، بلکه به جای آن رابطه پیوند ولایتی با کفار، مشرکان و بیگانگان را در دستور کار قرار داده‌اند.

«ولایت کفار مسلمانان را بدبخت می‌کند؛ این ولایتی که امروز مشاهده می‌کنید و بعضی از کشورها با رژیم صهیونیستی بنا می‌کنند به مبادله کلمات محبت‌آمیز و ارتباطات گوناگون سیاسی و اقتصادی و غیره... «إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ» (انفال: ۷۳)؛ اگر چنانچه این ولایت بین مؤمنین و قطع ولایت بین مؤمنین و کفار رعایت نشود در زمین، فتنه و فساد کبیر به وجود می‌آید. امروز این اتفاق افتاده؛ امروز در منطقه اسلامی ما جنگ هست، جنگ داخلی هست، خونریزی هست، فشارهای فراوان هست؛ دولت‌های بی عقل و عقب‌مانده بعضی از کشورها علیه کشورهای دیگر وارد جنگ می‌شوند، وارد جنایت کاری می‌شوند. شما ملاحظه کنید، امروز مردم یمن دچار چه مصیبتی اند! عروسی‌شان عزا می‌شود؛ بمبارانشان می‌کنند، مردم کوچه و بازار و مسجد و مانند اینها را

نابود می‌کنند؛ در افغانستان یک‌جور دیگر، در پاکستان یک‌جور دیگر، در سوریه به یک نحو دیگر؛ این به‌خاطر این است که ما مسلمان‌ها ولایت بین مؤمنین را فراموش کرده‌ایم! یعنی به قرآن عمل نمی‌کنیم؛ این عمل نکردن به قرآن است. اگر به قرآن عمل بکنیم، عزت پیدا می‌کنیم؛ این راهی است که مسلمان‌ها را خوشبخت می‌کند» (بیانات، ۱۳۹۷/۰۲/۰۶).

درحالی‌که جهان اسلام با رویکرد جامعه‌محور و پذیرش ارتباطات و پیوندهای مبتنی بر مفهوم «جامعه» اداره می‌شود ولی پیوندها، عملکردها، ارتباط‌ها و تعهدات جبهه مقابل امت اسلامی یعنی تمدن غرب به‌طور دقیق، براساس مفهوم پیوند ولایتی است؛ «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (انفال: ۷۳). جهان غرب با هر فرهنگ، مرام و اختلافی که دارند حول ارزش‌های امت‌محور خود جمع شده‌اند و علیه رقبای خود از جمله مسلمانان عمل می‌کنند. درمقابل جهان اسلام با محوریت پیوندهای «جامعه» و «ملت» عمل می‌کند نه براساس پیوندهای برآمده از «امت». از نگاه نظریه مقاومت، آن پیوندی که می‌تواند مشکلات بسیار مسلمانان را برطرف کند و زمینه‌ساز تحقق تمدن نوین اسلامی باشد، پیوند ولایتی است و این پیوند ذیل مفهوم امت تحقق پیدا می‌یابد. از دلایل نادیده گرفتن این پیوند می‌توان به رمز چرایی ضعف و رکود جهان اسلام نام برد. جهان اسلام برای استفاده از ظرفیت خود در راه صیانت از کرامت مسلمانان چاره‌ای جز انتخاب رویکرد امت‌محور و پذیرش پیوند ولایتی ندارد. دنیای غرب با هوشمندی رویکرد ملی و جامعه‌محور را برای مسلمانان تزئین و تبلیغ کرده است ولی خود با رویکرد امت‌محور و پیوند ولایتی عمل می‌کند.

موضوع دیگری که باعث به حاشیه رفتن پیوند ولایتی در جهان اسلام شده است، پیرنگ شدن مفهوم سیاسی ملت است؛ هرچند ملت در زبان قرآن به معنای آیین و راه و روش است: «مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ» (حج: ۷۸)؛ یعنی از آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید. یا «قُلْ بَلَّ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا» (بقره: ۱۵۳)؛ بگو بلکه ملت ابراهیم را پیروی می‌کنم. ولی در ادبیات سیاسی، مفهوم ملت معنای دیگری به خود گرفته است؛ درواقع بر مجموعه‌ای از سه مؤلفه سرزمین، نیروی انسانی و حاکمیت دلالت دارد. مفهوم ملت به معنای سیاسی مرسوم

به سبب محدودیت‌های برآمده از عناصر سرزمینی، انسانی و حاکمیتی نمی‌تواند نقش پیوند ولایتی در نظریه مقاومت را برعهده بگیرد. در واقع هر کدام از عناصر سه‌گانه (سرزمین، نیروی انسانی، حاکمیت) با معنای که مفهوم سیاسی ملت به آنها می‌بخشد، مانع از تحقق پیوند ولایتی و ارتباط مدنظر در نظریه مقاومت می‌شوند. برای نمونه در اینجا به یکی از محدودیت‌های مفهوم ملت یعنی عنصر «سرزمین» اشاره می‌شود.

سرزمین یا جغرافیای سیاسی اصل خدشه‌ناپذیری برای حاکمیت‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی است. در واقع هرگونه ارتباط خارج از ساختارهای پذیرفته‌شده نوعی تجری و بی‌قانونی تلقی می‌شود. این ساختارها و قوانین همان چیزی است که ارتباط بین انسان‌ها را مشروط می‌کند. شرط‌ها و محدودیت‌ها بیشتر به وسیله حاکمیت‌ها ترسیم می‌شوند. به میزان تفاوت در حاکمیت و حکومتگران، قیدوبندهای جوامع انسانی در برابر یکدیگر پیچیده و متفاوت می‌شود. با مثال دو ملت عراق و ایران می‌توان به محدودیت‌های و آسیب‌های ارتباطی برآمده از مفهوم ملت اشاره کرد. دو کشور با همه اشتراک‌های تاریخی و زمینه‌های ارتباطی فرهنگی، هشت سال درمقابل هم قرار گرفتند. این تقابل برآمده از دو عنصر سرزمین و حاکمیت بود. اختلاف‌های جزئی سرزمینی به ابزاری تبدیل شد در دست حاکمی که اولویت‌های قومیتی و توسعه‌طلبی داشت. صدام حسین با انگیزه گسترش قلمرو سرزمینی، از ناسیونالیسم قومی نیز بهره برد و با پشتوانه امت غربی ویرانی‌های بسیاری را بر بخشی از امت اسلامی تحمیل کرد. با این نمونه، به خوبی مشخص می‌شود که ملت به معنای سیاسی آن نمی‌تواند از مفاهیم عملیاتی نظریه مقاومت باشد؛ زیرا ظرفیت غیریت‌سازی مفهوم ملت بیش از ظرفیت همانندسازی و پیوندهای ارتباطی آن است. انتقاد امامین انقلاب از بی‌توجهی به مفهوم امت و ارتباط‌های امت محور بیانگر اهمیت و نقش مفهوم امت در نظریه مقاومت است: «لعنت خدا بر آن کسانی که سعی کردند حقیقت امت اسلامی را، اهمیت امت اسلامی را از ذهن‌ها دور کنند؛ مسلمان‌ها را به اصناف گوناگون، به انگیزه‌های گوناگون تقسیم کنند؛ ملیت‌ها را درمقابل عظمت امت اسلامی بزرگ کنند؛ ملت را از هم جدا کنند؛ درحالی‌که امت اسلامی مهم است؛ عظمت متعلق به امت اسلامی

است؛ خدای متعال رحمتش را بر امت اسلامی نازل می‌کند» (بیانات، ۳۱/۰۵/۱۳۹۴). بنابراین مطلوب در نظریه مقاومت ارتباط‌های است که حول محور «امت» شکل می‌گیرد این نوع از ارتباط همان چیزی است که در نظریه مقاومت پیوند ولایتی نامیده می‌شود.

۴-۳-۲. تجمیع قدرت

دومین مفهوم عملیاتی که در نظریه مقاومت ذیل مفهوم امت اسلامی معنا بخشی می‌شود، مفهوم «تجمیع قدرت» است. تجمیع قدرت در مقابل دو مفهوم «تجزیه قدرت» و «تفویض قدرت» قرار می‌گیرد. برای تبیین مفهوم عملیاتی و کاربردی تجمیع قدرت باید تفاوت این مفهوم با دو مفهوم «تجزیه قدرت» و «تفویض قدرت» بررسی شود.

۴-۳-۲-۱. تفاوت عملی تجمیع قدرت با تجزیه قدرت

«تجمیع قدرت» ثمره رویکرد امت محور است؛ ولی «تجزیه قدرت» از ثمرات رویکرد جامعه محور است. تفاوت اصلی این است که در مفهوم تجمیع، عناصر قدرت هماهنگ و برای هدفی مشخص به کار گرفته می‌شوند، ولی در مفهوم تجزیه، عناصر قدرت از یکدیگر تفکیک و در خدمت اهداف متفاوت قرار می‌گیرند. امروزه، جهان غرب مصداق عینی تجمیع قدرت و جهان اسلام مصداق عینی تجزیه قدرت است. مهم‌ترین آسیب رویکرد تجزیه قدرت پراکندگی امکانات و تضعیف سیستماتیک امت اسلامی است. برای تبیین تمایز دو رویکرد به نمونه‌ای از کشورهای اسلامی اشاره می‌شود. با بررسی وضعیت ملت فلسطین به خوبی می‌توان تفاوت «تجزیه قدرت» با «تجمیع قدرت» را تبیین کرد. غرب با رویکرد امت محور خود با سردمداری اسرائیل و پشتیبانی آمریکا به فلسطین حمله کرده است. در این حمله کل امت غربی با اسرائیل و آمریکا همراهی کرده و می‌کنند و در قالب پیمان‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی قدرت یگانه‌ای را تشکیل داده‌اند. با وجود اینکه با رویکرد امت محور به فلسطین حمله کرده‌اند، ولی رویکرد ملی و جامعه محور که حاصل آن تجزیه قدرت است را در جهان اسلام تزئین و تبلیغ می‌کنند و انتظار دارند که جهان اسلام به آن عمل کند. در عمل هم همین اتفاق افتاد و کشورهای اسلامی (به جز محور مقاومت) نقش نظاره‌گر داشتند، کشورهای اسلامی برای توجیه این رویکرد فلسطین را به مثابه یک کشور، جامعه و ملت جدا در نظر

داشتند. در واقع القامی شود که به ملت فلسطین حمله شده است، حاکمان اسلامی هیچ‌گاه نمی‌گویند که آمریکا به نمایندگی از امت غربی به امت اسلامی حمله کرده است. وقتی این باور در جهان اسلام پذیرفته شد و فلسطین به مثابه ملت و جامعه‌ای مستقل در نظر گرفته شد، به تنهایی در مقابل امت غربی تا دندان مسلح قرار گرفت. کشورهای مسلمان نیز با رویکرد ملی و جامعه محوری احساس می‌کنند که این جنگ به ملت و جامعه فلسطین مربوط است. پس از ویرانی فلسطین، این اتفاق برای عراق، سوریه، یمن و هر کشور مسلمان دیگری می‌تواند رخ دهد؛ همچنان که بارها رخ داده است. این یعنی امت اسلامی با پذیرش نظریه تجزیه قدرت، جزء جزء با چنگال مرموزانه امت غربی دریده می‌شود بدون اینکه کشورهای اسلامی به مثابه امت، اقدامی انجام دهند. نظریه مقاومت پرده از این حقیقت برمی‌دارد که راه برون رفت از این بحران‌ها اتخاذ رویکرد تجمیع قدرت در سطح امت است، نه عمل کردن براساس تجزیه قدرت. گفته‌ای که در ادامه می‌آید، اشاره‌ای است از نظریه پردازان نظریه مقاومت درباره آسیب‌های برآمده از رویکرد تجزیه قدرت و بی‌توجهی به مفهوم تجمیع قدرت.

«دنیای اسلام امروز احتیاج دارد به شناختن حقیقی جبهه دشمن امت اسلامی؛ دشمنانمان را بشناسیم، دوستانمان را بشناسیم. گاهی دیده شده است که مجموعه‌ای از ما مسلمان‌ها با دشمنان خودمان هم دست شدیم برای زدن دوستان خود، برای زدن برادران خود! خب، این به ما لطمه می‌زند، این امت اسلامی را دچار آشفتگی می‌کند، دچار ضعف می‌کند؛ این ناشی از نداشتن بصیرت است. امروز دنیای اسلام به این بصیرت احتیاج دارد، به این تدبیر و اندیشه احتیاج دارد، به اثارة دفائن عقول احتیاج دارد: وَ يُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ. نیاز مهم دیگر دنیای اسلام اتحاد است؛ باید از اختلافات جزئی، اختلافات سلیقه‌ای، اختلافات عقیدتی عبور کرد و امت واحده تشکیل داد: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ آتَا رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُونَ» (۲)؛ خدای متعال این جور می‌فرماید. اعتقاد به قرآن، اعتقاد به پیامبر، اعتقاد به خدای واحد، اعتقاد به کعبه واحد و قبله واحد، در مقابل داشتن جبهه واحد دشمن، اینها کافی نیست برای اتحاد دنیای اسلام؟ چرا عده‌ای نمی‌فهمند؟ چرا عده‌ای این حقایق روشن را درک نمی‌کنند؟» (بیانات، ۱۳۹۳/۰۳/۰۶).

۴-۳-۲. تفاوت عملی تجمیع قدرت با تفویض قدرت

از دیدگاه نظریه مقاومت افراد مسلمان و امکانات امت اسلامی به مثابه واحدهای شکل دهنده و ذره ای قدرت در نظر گرفته می شوند. هر فرد مسلمان درباره چگونگی استفاده از این واحد قدرت مسئولیت دارد. در نظریه تجمیع قدرت که نظریه مقاومت بر آن تأکید دارد، هیچ گاه واحدهای قدرت افراد به سبب قراردادهای اجتماعی تفویض نمی شوند، یعنی کسی نمی تواند به سبب قراردادهای صورت گرفته قدرت را از فرد دیگر بگیرد. در نظریه مقاومت واحدهای قدرت تجمیع می شوند نه تفویض، در رویکرد تجمیع قدرت فرد همچنان مسئولیت قدرت ذره ای خود را برعهده دارد. به تعبیر مقام معظم رهبری، «چنین مسئولیتی از دین ناشی می شود و در تئوری مردم سالاری دینی جای می گیرد» (بیانات، ۱۶/۱۱/۱۳۹۸). ولی در تفویض قدرت چنین مسئولیتی معنا ندارد؛ برای نمونه، در رویکرد تفویض قدرت اگر دولتی که قدرت خود را از افراد مسلمان جامعه وام گرفته است خطا یا ظلمی مرتکب شود گفته می شود فلان دولت به این خطا و ظلم دست زده است و افراد جامعه خود را در چنین ظلمی شریک نمی دانند، ولی در رویکرد تجمیع قدرت، که مد نظر مقاومت است، همه افراد جامعه (صاحبان قدرت های ذره ای) به مثابه یک واحد قدرت در برابر خطا و ظلم رخ داده مسئول هستند. در واقع، افراد مسلمان نباید قدرت خود را به کسانی تفویض می کردند که از خطا کردن یا ظلم کردن هیچ ابایی ندارند. بنابراین، در نظریه مقاومت بسیار ضروری است که فرد چگونه از واحد قدرت خود استفاده کند. دراصل، در نظریه مقاومت تفویض قدرت صورت نمی گیرد، بلکه فرد مسلمان باید همواره در کلیت قدرت به مثابه واحد قدرت حضور داشته باشد. در رویکرد تجمیع قدرت حق اعتراض بسیار حیاتی و متفاوت تر از رویکرد تفویض قدرت است؛ چون بهره ای که حاکمیت از قدرت فرد می برد، مسئولیتش برعهده فرد است. اگر این واحد قدرت در زمینه منفی استفاده شود فرد مورد نظر در برابر آن مسئولیت دارد؛ از این رو حق دارد بداند که حاکمیت قدرت او را در کجا به کار می برد. این همان حقوق متقابل حاکم و مردم است که حضرت علی علیه السلام از آن به بزرگ ترین حق یاد می کند: «وَأَعْظَمَ مَا افْتَرَضَ سُبْحَانَهُ مِنْ تِلْكَ الْحُقُوقِ حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَّةِ، وَحَقُّ الرَّعِيَّةِ عَلَى الْوَالِي» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).

بنابراین، در نظریه مقاومت اعتراض یک فرد مسلمان به حاکمیت به این دلیل است که خود را در کار حاکمیت شریک می‌بیند و در کنش‌های حاکمیت سهیم است. همچنین در رویکرد تجمیع قدرت، بی‌طرفی معنا ندارد. افرادی که از واحد قدرت خود استفاده نمی‌کنند، در واقع یک واحد از قدرت امت اسلامی را زمین‌گیر کرده‌اند و کلیت قدرت امت را تضعیف کرده‌اند. بر همین اساس، هر فرد در برابر موضع بی‌طرفی خود مسئول است. در زیارت عاشورا کلیت امت مورد خطاب و لعن قرار گرفته است نه اینکه تنها افرادی که در جنگ حضور داشته‌اند: «لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمُ وَاَلَعَنَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ لَهُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنَ قِتَالِكُمْ» «خدا لعنت کند مردمی که شما را کشتند و خدا لعنت کند آنان که تهیه اسباب کردند برای کشتندگان شما تا آنها توانستند با شما بجنگند». براساس این فراز، کسانی که تهیه اسباب کرده‌اند، نیز در شهادت امام حسین علیه السلام مشارکت داشتند. در نتیجه فرد مسلمانی که از واحد قدرت خود استفاده نمی‌کند، همانند کسی است که به صورت غیرمستقیم به جبهه مقابل کمک کرده است و می‌تواند مصداق تهیه‌کنندگان اسبابی باشد که در زیارت عاشورا لعن شده‌اند.

در رویکرد تفویض قدرت، که فرد قدرت خود را به حاکمیت تفویض می‌کند، چه بسا منافع فرد بیش از انتظار او برآورده شود؛ ولی برخورداری از منافع نفی‌کننده پذیرش مسئولیت نیست. این درحالی است که در تجمیع قدرت، اولویت با مسئولیت مشترک است، نه منافع مشترک. برای نمونه دفاع از مظلوم شاید منفعت مشترک دنیوی نداشته باشد، ولی مسئولیت مشترک دنیوی دارد. هر مسلمانی در دنیا مسئولیت دارد از مظلوم دفاع کند. برای نمونه، فرد مسلمانی که در کشورهای حاشیه خلیج فارس با رفاه بالا زندگی می‌کند به سبب تفویض قدرتی که انجام داده به بهترین منافع دنیوی خود دست پیدا کرده است. این مسلمان باید از خود پرسد واحد قدرتی را که به حکومت واگذار کرده و به سبب آن، حکومت فربه شده است در چه زمینه‌ای استفاده می‌شود. آیا این حکومت مسئولیت خود را در برابر مردم مظلوم فلسطین و دیگر ستمدیدگان مسلمان انجام می‌دهد؟ در صورتی که پاسخ منفی باشد، کسی که واحد قدرت خود را به حکومت تفویض کرده است مسئولیت دارد.

این همان پرسشی است که نظریه مقاومت تک تک افراد امت اسلامی را به پاسخگویی به آن فرا می خواند. در نتیجه می توان گفت با تفویض قدرت، مدیریت قدرت و امکان استفاده از آن از دست فرد خارج می شود و به حاکمیت واگذار می شود؛ ولی با تجمیع قدرت، فرد قدرت خود را تفویض نمی کند بلکه آن را برای اهداف متعالی در کنار دیگر قدرت های هم فکر خود قرار می دهد.

۴-۳-۳. منافع امت محور

سومین مفهوم عملیاتی که در نظریه مقاومت ذیل مفهوم امت اسلامی معنابخشی می شود مفهوم «منافع امت محور» است. منظور از منافع امت محور، مزایا، محاسن و مطلوب های است که در سایه توجه به مفهوم امت تحقق پیدا می کند و امت اسلامی را به کرامت و سعادت حقیقی می رساند. منافع امت محور نفی کننده منافع ملی، صنفی و فردی نیست، بلکه جهت دهنده به آنهاست. ثمره بی توجهی به منافع امت محور همان تجزیه و تفکیک قدرتی است که پیش از این توضیح داده شد. موضوعی که در منافع امت محور نهفته است و مورد تأکید امامین انقلاب و نظریه مقاومت قرار دارد، تعهد پذیری است. تعهد پذیری از جمله مفاهیم کاربردی ذیل مفهوم امت اسلامی است که تفاوت قابل توجهی با تعهد پذیری ذیل مفهوم ملت یا جامعه دارد. در جامعه مطلوب، هدف توسعه و پیشرفت بدون ایجاد مزاحمت برای دیگران است. به عبارت دیگر، اگر در جامعه افراد در پی پیشرفت و رشد خود باشند و برای دیگران مزاحمتی ایجاد نکنند چنین جامعه ای مطلوب و پسندیده است. ولی در امت، هدفها متفاوت تر از اهداف در جامعه هستند. در امت رشد کردن براساس «تعاونوا علی البرّ و التّقوی» یعنی رشد کردن با یکدیگر محوریت دارد: «امروز کشورهای اسلامی بیش از همیشه به همکاری در همه زمینه ها با هم احتیاج دارند»^۱ در رویکرد امت محور انسان ها در برابر یکدیگر تعهد انسانی دارند، افزون بر اینکه افراد یک امت به خود و یکدیگر، تعهد دارند، در سطح کلان به هم کیش خود و جامعه های دیگر نیز متعهدند. هنگامی که

۱. بیانات در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس بانک توسعه اسلامی، ۲۵/۰۶/۱۳۸۳، دسترسی در:

ظرفیت‌های جهان اسلام در خدمت این تعهد چندجانبه قرار گیرد، منافع امت محور یا کرامت و عزت امت اسلامی تضمین می‌شود. با محور قرار گرفتن مفهوم امت، تعریف از منافع در ملیت‌ها و جوامع اسلامی تغییر می‌کند. در واقع، مفهوم امت منافع مشترکی را تعریف می‌کند که همه ملت‌ها و زیرمجموعه‌های امت به آن تعهد دارند. روشن‌ترین نتیجه پذیرش این‌گونه تعهد تجمیع قدرت امت اسلامی است؛ همان چیزی که در قضیه فلسطین مورد توجه رهبران جبهه مقاومت است.

«بعضی خیال می‌کنند حمایت از مردم فلسطین خارج از منافع ملی کشورهاست. این اشتباه بسیار بزرگی است. وقتی یک ملت مسلمان به ملت‌های دیگر متکی نباشد و از طرف آنها حمایت نشود، این‌گونه راحت در معرض تظاول دشمن قرار می‌گیرد. اگر دنیای اسلام متحد بود، یک ملت این‌طور مظلوم نمی‌شد. این قضیه ممکن است برای ملت‌های مسلمان دیگر هم پیش بیاید؛ کما اینکه دیدید در مواردی برای ملت‌ها پیش آمده است... پس حمایت عمومی دنیای اسلام از ملت فلسطین در حقیقت حمایت دنیای اسلام از یک‌یک کشورهای مسلمان است؛ این ضامن و حامل منفعت همه آنهاست» (بیانات، ۰۳/۱۱/۱۳۸۰).

وقتی منافع امت محور در ملت‌ها و جوامع مسلمان پذیرفته شود، نظام‌ها و ساختارهای ملی در برابر یکدیگر مسئولیت پیدا می‌کنند؛ برای نمونه، قوه قانون‌گذار ملت‌های اسلامی نسبت به یکدیگر مسئولیت‌پذیر می‌شوند. در چنین حالتی، نباید از سوی قانون‌گذارهای کشورهای اسلامی قانونی تصویب شود که به وسیله آن، حقوق مسلمانی در خارج از جامعه و ملت قانون‌گذار نادیده گرفته شود. برای نمونه، وقتی در کشوری مسلمان، قانونی وضع شود که به سبب آن حقوق مردم فلسطین از بین برود بی‌شک از شاخص‌ها و معیارهای امت محور فاصله گرفته است. نمونه عینی بی‌توجهی به منافع امت محور را می‌توان در همراهی کشورهای اسلامی با آمریکا و امت غربی برای تحریم بخش‌های از امت اسلامی مشاهده کرد. تا هنگامی که چنین حالت‌های وجود داشته باشد، جهان اسلام از منافع امت محور فاصله گرفته است. این گفته، که مراتب وحدت امت اسلامی را به تصویر

می‌کشد، نمونه‌ای از دیدگاه نظریه مقاومت و توجه امامین انقلاب اسلامی به منافع امت محور است.

«البته وحدت مراتبی دارد؛ اتحاد دنیای اسلام مراتبی دارد؛ پایین‌ترین مرتبه‌اش این است که جوامع اسلامی، کشورهای اسلامی، دولت‌های اسلامی، اقوام اسلامی، مذاهب اسلامی، علیه هم دست به تعرض زنند، با هم معارضه نکنند، به یکدیگر ضربه زنند؛ این قدم اول است. البته بالاتر از این، این است که دنیای اسلام علاوه بر اینکه به یکدیگر ضربه نمی‌زنند، در مقابل دشمن مشترک هم دست به دست هم بدهند، اتحاد واقعی و کافی داشته باشند، از یکدیگر دفاع کنند. این هم یک قدم بالاتر است؛ از این بالاتر هم این است که کشورهای اسلامی، ملت‌های اسلامی هم‌افزایی کنند. کشورهای اسلامی از لحاظ علمی، از لحاظ ثروت، از لحاظ امنیت، از لحاظ قدرت سیاسی در یک سطح نیستند، می‌توانند به یکدیگر کمک کنند، هم‌افزایی کنند، آنهایی که بالاترند در هر بخشی، دست آن کسانی را که پایین‌تر هستند بگیرند؛ این هم یک مرحله‌ای از وحدت است. مرحله بالاتر هم این است که همه دنیای اسلام متحد بشوند در جهت رسیدن به تمدن نوین اسلامی. این چیزی است که جمهوری اسلامی هدف غایی قرار داده: رسیدن به تمدن اسلامی، منتها تمدن متناسب با این زمان، تمدن نوین اسلام. اینها مراتب وحدت است» (بیانات، ۱۳۹۸/۰۸/۲۴).

نتیجه‌گیری

براساس معنابخشی نظریه مقاومت به مفهوم «امت» چنین برداشت می‌شود که شکل‌گیری تحول در مقیاس تمدن نوین اسلامی نیازمند معنابخشی تمدنی و فراملی به مفاهیم راهبردی از جمله مفهوم «امت» است. از نگاه نظریه مقاومت، مفهوم امت با معناها و تفسیرهای کنونی به بازیابی هویت تمدنی خود قادر نیست. بنابراین، باید معنای منطقی و متقن‌تری از مفهوم امت ارائه شود تا تأمین‌کننده نیازهای تمدنی و تضمین‌کننده ارتباط بین امت اسلامی و تعیین‌کننده جایگاه متعالی امت اسلامی باشد. در شبکه مفهومی نظریه مقاومت مفهوم «امت» و بازتعریف درست این مفهوم نقطه آغاز تحقق کرامت انسانی و پیرو آن تحقق تمدن نوین اسلامی است. در شبکه مفهومی نظریه مقاومت، امت جمعیتی متکی به ارزش‌های

مشترک است، ارزش‌های مشترک راه و مسیر مشخصی را ترسیم می‌کنند. به طور طبیعی در طی این مسیر موانعی وجود دارد که با استقامت رفع می‌شود. این فرایند یک نتیجه دارد و آن احیای کرامت انسانی است. بر همین اساس، از دیدگاه نظریه مقاومت، نخستین گام جهان اسلام و مسلمانان برای غلبه بر مشکلات تمدنی بازنگری در فهم از مفهوم «امت» است. اولویت قرار دادن رویکرد امت محور هیچ تضادی با خوبی‌های رویکرد ملی و جامعه محور ندارد؛ ولی درمقابل از بزرگ‌ترین ضعف‌های آنها یعنی تجزیه قدرت، ضعف ارتباطی و فقدان مسئولیت‌پذیری جلوگیری می‌کند. آشکار است که برای تحقق رویکرد امت‌محور و عملی شدن این معنابخشی از مفهوم «امت» به پذیرش این رویکرد از سوی نخبگان جهان اسلام و درپی آن تبیین، ترویج و تبلیغ این رویکرد در بین توده مسلمانان نیاز است. بنابراین، شایسته است تا پیشنهاد شود دانش امت‌شناسی به همراه دانش جامعه‌شناسی در محیط‌های علمی و آموزشی جهان اسلام مورد توجه قرار گیرد. آنچه که اهمیت توجه به مفهوم امت در مناسبات اجتماعی جامعه ایران را بیشتر می‌کند انعکاس مفهوم امت در اصل یازدهم قانون اساسی است. این اصل با استناد به آیه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» جمهوری اسلامی را موظف می‌کند که سیاست‌های کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد امت اسلامی تدوین و پیگیری کند.

کتابنامه

قرآن کریم.

- افتخاری، اصغر (۱۳۹۹). مقاومت در اسلام؛ نظریه و الگو. تهران، اندیشه سازان نور.
- اندیشمندان جهان اسلام (۱۳۹۲). امت اسلامی و برنامه‌های راهبردی برای رویارویی با چالش‌های فراروی وحدت. مجموعه مقالات بیست و دومین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- بابی اس، سعید (۱۳۹۰). هراس بنیادین (اروپامداری و ظهور اسلام گرای). (غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، مترجم). تهران، دانشگاه تهران.
- پارسانیا، حمید (۱۳۹۵). روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی. قم، کتاب فردا.
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech>

- رحیم پور ازغدی، حسن (۱۳۹۷). امت اسلامی؛ بازخوانی اندیشه راهبردی رهبر معظم انقلاب درباره وحدت اسلامی به روایت حسن رحیم پور ازغدی. تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۵)، صحیفه امام. تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- زارغان، احمد (۱۳۹۸). برسازمی مفهوم امت شهروند در ژئوپلیتیک مقاومت. مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۲۱(۷۷)، ۱۶۱-۱۹۰.
- صلح میرزایی، سعید (۱۳۹۸). اندیشه‌ی مقاومت از منظر حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مد ظله‌العالی). تهران، انقلاب اسلامی
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. (سیدمحمدباقر موسوی همدانی، مترجم). قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۳). پایان تاریخ و انسان واپسین. (زهرة عربی و عباس عربی، مترجم). تهران، سخنکده.
- قرضاوی، یوسف (۱۳۸۴) امت اسلامی، چالشها و امیدها. (جهانگیر ولدبیگی، مترجم). تهران، احسان.
- مصلائی پور، عباس، و پروینی، ایوب (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی مفهوم امت با تکیه بر آراء تفسیری مفسران. مطالعات تفسیری، ۸(۲۹)، ۹۱-۱۰۴.
- میرچراغ‌خانی، حسین (۱۴۰۱). تبیین نظریه مقاومت مبتنی بر اندیشه امامین انقلاب اسلامی. قم، زمزم هدایت.